

اعجاز قرآن

پاسخ شبهات پادری «هانری مارتین»

در موضوع اعجاز قرآن

از

محقق، میرزا ابوالقاسم گیلانی قمی

در گذشته ۱۳۳۱

به کوشش

مدرسی طباطبائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در اوائل دوره فاجاریکی از روحانیون مسیحی-

از اعضاء هیأت تبشیری اروپائی در ایران - به نام

«هانری مارتین» رساله ای به فارسی با نام «میزان-

الحق» در رد اسلام نوشته و به طور مبسوط اعجاز

قرآن کریم و پیغمبری حضرت رسول اکرم (ص) را

مؤید تردید و اشکال ورد و ایراد قرارداد و با دلائل

متعدد کوشیده بود که حق بودن مذهب مسیحی را

اثبات سازد، و این رساله را نیز گویا در مقیاس

وسیمی میان مسلمانان پخش نموده بود . به دنبال این ماجرا گروهی از دانشمندان آن روز ایران بررساله مزبور رد نوشته ، و ایرادات و شبهات او را پاسخ گفتند که نام بسیاری از این «ردود» به عنوان «رد برپادری نصرانی» در ذریعه ۱۰: ۲۱۴-۲۱۵ و قصص العلماء - ذیل شرح حال ملا احمد نراقی - آمده ، و از اهم آنها رد ملا علی نوری - حکیم مشهورنیمه نخستین قرن سیزدهم - به نام «حجة الاسلام» (نسخه در کتابخانه آستان قدس) و رد ملا احمد نراقی - فقیه عارف همان دوره - به نام «سيف الامة» است که دوبار به چاپ رسیده .

از جمله ردود ، ردی است که مرحوم میرزا ابوالقاسم گیلانی قمی ، صاحب قوانین - فقیه نامور آغاز دوره قاجار - در گذشته ۱۲۳۱ بر آن نوشته ، و نسخه اصل آن - که در حکم پیش نویس (مسوده) و ناتمام است - با چندین رساله و نوشته دیگر او که همه به خط خود اوست ضمن مجموعه ای درقم به نظر نگارنده رسید که اینک آنرا در اینجا می بینیم . وی نخست درباره استدلال مسیحیان به استصحاب - که از قواعد علم اصول و از مصادر فقه اسلامی است - به تفصیل بحث نموده ، و این استدلال را همانند مسائل فقهی و اصولی اسلامی از جوانب مختلف مورد بررسی و تحقیق قرار داده ، و با سبک خاص خود - که «قوانین» شاهکار علمی اش نمایانده و بیانگر خصائص آن است - و با موشکافی ها و دقت های کم - نظیر خویش استدلال مزبور را به صورت های گوناگون

که هرگز به عقل « پادری » و دیگر روحانیان مسیحی نرسیده و نخواهد رسید - تقریر وهریک را از وجوه متعدد رد و نقض نموده است .

البته باید توجه داشت که با پیشرفت عظیم این علم بسیار ارزنده اسلامی در دوره های اخیر ، بسیاری از میانی مرحوم میرزا مورد تردید قرار گرفته و دگرگون شده و مبانی تازه ای جایگیر آن گردیده است ، ولی با این همه بحث « استصحاب شرایع سابق » همچنان یکی از مباحث « استصحاب » را تشکیل می دهد که در همه کتابهای اصول دوره های اخیر پیرامون آن سخن رفته و ایرادات و اشکالات دقیق تری بر آن صورت گرفته و به سبک های بسیار متین و محکم پاسخ داده شده است .

پس از آن به نقل عبارات « پادری » و اشکالات او بر اعجاز قرآن کریم پرداخته ، وهریک را باز با سبک علمی پاسخ گفته و مردود داشته است . این قسمت رساله در میانه ناتمام مانده و گویا اتمام آن به فرصتی دیگر واگذار گردیده بود که هرگز دست نداده است .

مؤلف این رساله : محقق قمی (میرزا ابوالقاسم بن حسن کیلانی قمی) مشهور تر از آن است که نیازی به آوردن شرح حال و زندگی نامه او در این یادداشت شتاب زده باشد . شرح حال او را در بسیاری از مصادر دو قرن اخیر می توان دید که گویا مبسوط تر و مفید تر از همه شرحی است که در **روضات**

۵۱۶ (چاپ اول) وریحانة الادب ۴: ۱۲۵-۱۲۷
آمده است .

بهترین معرف فضل و سعة علمی و خدمات کم -
ظفر «میرزای قمی» به عالم علم و دین آثار بسیار
ارزنده علمی اوست به خصوص «قوانین الاصول»
که مجموعه آراء و انتظار دقیق اصولی وی بوده و در
سیر تحول و پیشرفت این علم عزیز اثری بزرگ
داشته است . به جز آن آثار دیگر فقهی و مذهبی
او از «مناهیج» و «غنائم» و «جامع الشتات» و «مرشد
الموام» و «معین الخواص» (که سه کتاب نخستین
به چاپ نیز رسیده) و رساله های جداگانه او در
این فن و فنون دیگر اسلامی که شمار آنها به نقل
روضات - از هزار منجاوز بوده و بسیاری از آنها
هم اکنون در دست و بیست و چند رساله از آن جمله
در پایان غنائم وی به چاپ رسیده است ، هر یک بمبین
سعة علمی و شاهد کوشش های خستگی ناپذیر او در
راه پیشبرد علوم اسلامی است .

رسالة موجود - که یکی از جمله آثار این
مرد بزرگ است - همان طور که پیش گفته شد به -
صورت «مسوده» به جای مانده ، و مؤلف بزرگوار
آن توفیق اتمام و حتی بازبینی و تصحیح قسمت نوشته
شده آن را نیز نهافته است .

از این رو استنساخ و استخراج و ترتیب و
تنظیم آن با دشواری هایی چند همراه بود که نویسنده
به منظور احیاء یکی از آثار این عالم جلیل و خدمتگزار
بر خود هموار ساخت .
امید است که مورد قبول اهل فضل قرار گیرد .

آذرماه ۱۳۵۱

مدرسی طباطبائی